

رخداد

حادثه بار دیگر

قوی‌ترین مردان را نشانه گرفت

■ **فارس:** افرادی که قصد حمله به یکی از قوی‌ترین مردان تهران را داشتند وقتی از یافتن او ناامید شدند با هجوم به مغازه بردارش، او را به شدت مجروح کردند. علیرضا استادحاجی قهرمان ۱۰۵ کیلوگرم و نایب قهرمان قوی‌ترین مردان تهران درباره حادثه‌ای که روز ششم فروردین اتفاق افتاد، اظهار داشت: حدود یک ماه قبل در یک میهمانی حضور پیدا کردم که تحویل نگرفتن یکی از مسوولان فدراسیون کشتی آغازگر این اتفاق ناخوشایند شد. وی ادامه داد: در آن میهمانی با آقای «سن. ص» که گفته خودش احوال‌پرسی سردی داشتم، او بعد از میهمانی و حدود ساعت یک نیمه‌شب، به من زنگ زد و پرسید مشکلی وجود داشت که این‌گونه برخورد کردی؟ این در حالی بود که فردی هم که کنار او بود مدام فحاشی می‌کرد. استادحاجی گفت: من به «سن.ص» گفتم مشکل خاصی با او ندارم ولی از روز بعد پیگیر این موضوع شدم که به چه دلیل نیمه‌شب با من تماس گرفته و فحاشی کرده است. وی افزود: پیگیری‌های ما ادامه داشت تا اینکه در تاریخ شش فروردین امسال موضوع میان ما بالا گرفت. آن روز من به همراه تعدادی از قوی‌ترین مردان برای ناهار به رستوران رفتم و بعد از آن بر سر مزار پدرم که تازه فوت شده بود رفتم. آنجا بودم که با من تماس گرفتند و گفتند افرادی با هفت خودرو و یک موتورسیکلت به محل زندگی ما آمده‌اند و با عبیده‌کشی مقابل خانه ما به خیال اینکه من در منزل هستم، می‌خواستند از خانه خارج شوم. استادحاجی گفت: دوربین‌های مداربسته موجود در محل، تمام حرکات و رفتار آنها را ضبط کرده است. آنها بعد از حضور ماموران پلیس اقدام به فرار کردند و به مغازه برادرم رفتند و به او حمله کردند. وی ادامه داد: در آنجا هم دوربین مداربسته بانکی که کنار مغازه برادرم بود تمام حرکات آنها را ضبط کرده است. آنها بعد از ورود به مغازه به برادرم که تنها و در حال رسیدگی به حساب‌هایش بود حمله و با ضربات قمه که به دستش وارد کردند، عصب‌های دست او را قطع کردند. استادحاجی درباره وضعیت جسمی و روحی برادرش گفت: دست برادرم از کار افتاده و هنوز هم در شوک این حادثه‌اند است، همچنان هذیان می‌گوید و تاکنون نتوانسته ماجرا را برای پلیس تشریح کند. وی با بیان اینکه این موضوع در پلیس امنیت در حال رسیدگی است خاطرنشان کرد: تاکنون کسی در این رابطه دستگیر نشده است.

زن موادفروش سردهسته سارقان مسلح بود

■ **شرق:** زن موادفروش برای پس گرفتن طلبش دست به سرقت مسلحانه زد. به گزارش خبرنگار ما ماموران کلانتری جوادیه روز ۲۸ اسفند سال گذشته در جریان سرقت مسلحانه یک دستگاه خودرو پژو پارس قرار گرفتند و دو پسرخاله به اسامی سعید و ابراهیم که آثار ضرب و جرح روی بدن آنها مشهود بود، به ماموران گفتند: «چند مرد به سرکردگی یک زن به نام رعنا که همگی آنها مسلح بودند به زور وارد گاراژ شدند و شروع به ضرب و شتم ما کردند و بعد از بازرسی گاراژ پژو پارس اطلاعاتی رنگ را سرقت کردند» کارآگاهان بعد از اطلاع از هویت سرشته سارقان بار دیگر به بازجویی از سعید-مالک خودرو مسروقه- پرداختند و او گفت: «از چندی پیش به واسطه خرید و فروش و مصرف شیشه با رعنا آشنا شدم؛ یک روز که دو نفری در گاراژ در حال مصرف شیشه بودیم، ناگهان رعنا چشمش به سه کوزه و ظرف سفالی افتاد که در گوشه‌ای از گاراژ قرار داشت و مدعی شد که به احتمال بسیار زیاد این ظروف عتیقه هستند و او می‌تواند شخصی را پیدا کند که با انجام کار کارشناسی عتیقه بودن و زمان ساخت ظروف را تایید کند؛ با این بهانه، هر سه ظرف سفالی را از من گرفت و پس از گذشت چند روز با مراجعه به گاراژ هر سه کوزه را به من پس داد و مدعی شد برای انجام کار کارشناسی روی کوزه‌ها مبلغ سه میلیون تومان خریده است. او این مبلغ را از من می‌خواست ولی من پول را به او ندادم.» کارآگاهان در ادامه رعنا را دستگیر کردند. او گفت: «وقتی سعید حاضر نشد سه میلیون تومان مرا پس دهد، تصمیم گرفتم با همکاری چند مرد که در زمان خرید و مصرف مواد با آنها آشنا شده بودم، پولم را پس بگیرم و برای همین هم سرقت را انجام دادم.» بنا بر این گزارش در ادامه تحقیقات مردان مسلح نیز بازداشت شدند و به جرم‌شان اعتراف کردند.

اعتراف به سرقت از ۲۰ خانه

■ **شرق:**دو سارق حرفه‌ای منازل پس از دستگیری به بیش از ۲۰ قفزه سرقت اعتراف کردند. سرهنگ «خبرخواهان» فرمانده انتظامی کرج در این‌باره گفت:اکببی از ماموران انتظامی در پی شکایت چند نفر از مالباختگان مبنی بر سرقت از منزل مناطقی که احتمال سرقت در آنها می‌رفت تحت نظر قرار دادند و در نهایت روز دوشنبه به یک دستگاه خودرو تاکسی با دو نفر سرنشین که حرکات مشکوکی داشتند متظنون شدند. سرهنگ خبرخواهان ادامه داد: متهمان دستگیرشده در بازجویی‌های ماموران به بیش از ۲۰ قفزه سرقت منزل و کارگاه اعتراف کردند و پس از تشکیل پرونده برای سیر مراحل قانونی تحویل مرجع قضایی شدند.

شرق: عشق ممنوع مرد جوان را وادار کرد تا برای رسیدن به آن همسر نقاشش را به قتل برساند. به گزارش خبرنگار مسا این مرد که علی نام دارد وقتی که با زنی مطلقه آشنا شد تصمیم گرفت برای رسیدن به این همسرش را که ۹ماهه باردار بود به قتل برساند. ۱۴ شهریور سال ۸۹ بود که ماموران کلانتری عظیمیه کرج در جریان قتل زنی ۳۴ساله قرار گرفتند که جنینی ۹ماهه را باردار بود. پرستاران بیمارستان رسالت به ماموران گفتند این زن توسط خواهرش به بیمارستان آورده شده بود و تصور می‌کرد خواهرش به دلیل درد زایمان بدحال شده‌است، وقتی جسد او را به بیمارستان رساند این زن گفت خواهرش ۹ ماهه باردار بود و او به تصور اینکه این بدحالی به دلیل زایمان است وی را به بیمارستان رساند این زن گفت سوده چندین سال بود که بچه‌دار نمی‌شد و خیلی دوست داشت فرزندى داشته باشد. شوهرش علی که پسرعمویمان بود از اینکه سوده بعد از این همه سال باردار شده است اصلا خوشحال نبود و زندگی آنها به شدت در تنش بود. علی این اواخر با زنی آشنا شده بود و من فکر می‌کنم خواهرم قربانی این عشق شوم شده است.

این اتهام فقط از سوی خواهر سوده به علی وارد نشد بلکه

شرق: پسری که در دفاع از همسایه خود مرتکب جنایت شده و فرار کرده بود به خاطر پدرش خود را به پلیس معرفی کرد.

به گزارش خبرنگار ما، ساعت یک بهامداد آخرین روز سال گذشته به ماموران کلانتری نبرد اطلاع داده شد نزاعی منجر به قتل در خیابان خاوران رخ داده است. با حضور ماموران کلانتری در محل و انجام تحقیقات مقدماتی مشخص شد، پس ۱۶ ساله‌ای به نام «بهروز» بر اثر اصابت ضربه چاقو از ناحیه پشت مجروح و بعد از انتقال به بیمارستان فوت شده است.

کارآگاهان با تحقیق از طرفین درگیری فهمیدند مقتول به همراه دو برادر ۱۹ و ۳۰ ساله خود به اسامی «بهمن» و «مجتبی»، با مراجعه به در منزل جوان ۳۲ ساله‌ای به نام «جواد» قصد درگیری را با او را داشت که با دخالت پدر و برادر دیگر جواد، نزاع دسته جمعی مقابل در منزل آنها ایجاد شد.

بهمن در اظهارات خود به کارآگاهان گفت: «بهروز در یک کارگاه صافکاری کار می‌کرد. شب حادثه او به موقع به خانه نیامد و به تلفنش هم جواب نمی‌داد، به همین خاطر به قصد آوردن برادرم به خانه به سمت کارگاه صافکاری حرکت کردم. در خیابان هاشم آباد با جواد، چشم به چشم شدم و همین موضوع باعث درگیری لفظی میان ما دو نفر شد. پس از بازگشت به خانه وقتی موضوع درگیری خودم را با جواد برای بهروز و مجتبی تعریف کردم، هر سه نفر به در منزل جواد رفتیم و در

پدر و مادر سوده به همین اتهام را به دامادشان زدند و شکایتی رسمی از این مرد به بازپرس جنایی کرج داده شد.

پدر سوده گفت: وقتی متوجه شدیم علی برادرزاده‌ام با زنی دیگر رابطه دارد از او خواستیم سوده را طلاق دهد اما همان زمان مشخص شد سوده باردار است. دخترم می‌خواست بچاش را به دنیا بیاورد و حاضر نشد آن بچه را از دست بدهد. همه خوشحال بودند حتی خانواده پدر علی، ما فکر می‌کردیم باردار بود. پرستاران بیمارستان رسالت به ماموران گفتند این زن توسط خواهرش به بیمارستان آورده شده بود و تصور می‌کرد خواهرش به دلیل درد زایمان بدحال شده‌است، وقتی جسد او را به بیمارستان رساند این زن گفت خواهرش ۹ ماهه باردار بود و او به تصور اینکه این بدحالی به دلیل زایمان است وی را به بیمارستان رساند این زن گفت سوده چندین سال بود که بچه‌دار نمی‌شد و خیلی دوست داشت فرزندى داشته باشد. شوهرش علی که پسرعمویمان بود از اینکه سوده بعد از این همه سال باردار شده است اصلا خوشحال نبود و زندگی آنها به شدت در تنش بود. علی این اواخر با زنی آشنا شده بود و من فکر می‌کنم خواهرم قربانی این عشق شوم شده است.

این اتهام فقط از سوی خواهر سوده به علی وارد نشد بلکه جنایت شده و فرار کرده بود به خاطر پدرش خود را به پلیس معرفی کرد.

به گزارش خبرنگار ما، ساعت یک بهامداد آخرین روز سال گذشته به ماموران کلانتری نبرد اطلاع داده شد نزاعی منجر به قتل در خیابان خاوران رخ داده است. با حضور ماموران کلانتری در محل و انجام تحقیقات مقدماتی مشخص شد، پس ۱۶ ساله‌ای به نام «بهروز» بر اثر اصابت ضربه چاقو از ناحیه پشت مجروح و بعد از انتقال به بیمارستان فوت شده است.

کارآگاهان با تحقیق از طرفین درگیری فهمیدند مقتول به همراه دو برادر ۱۹ و ۳۰ ساله خود به اسامی «بهمن» و «مجتبی»، با مراجعه به در منزل جوان ۳۲ ساله‌ای به نام «جواد» قصد درگیری را با او را داشت که با دخالت پدر و برادر دیگر جواد، نزاع دسته جمعی مقابل در منزل آنها ایجاد شد.

بهمن در اظهارات خود به کارآگاهان گفت: «بهروز در یک کارگاه صافکاری کار می‌کرد. شب حادثه او به موقع به خانه نیامد و به تلفنش هم جواب نمی‌داد، به همین خاطر به قصد آوردن برادرم به خانه به سمت کارگاه صافکاری حرکت کردم. در خیابان هاشم آباد با جواد، چشم به چشم شدم و همین موضوع باعث درگیری لفظی میان ما دو نفر شد. پس از بازگشت به خانه وقتی موضوع درگیری خودم را با جواد برای بهروز و مجتبی تعریف کردم، هر سه نفر به در منزل جواد رفتیم و در

حوادث

عشق ممنوع، انگیزه قتل زن باردار

پدر و مادر سوده به همین اتهام را به دامادشان زدند و شکایتی رسمی از این مرد به بازپرس جنایی کرج داده شد. پدر سوده گفت: وقتی متوجه شدیم علی برادرزاده‌ام با زنی دیگر رابطه دارد از او خواستیم سوده را طلاق دهد اما همان زمان مشخص شد سوده باردار است. دخترم می‌خواست بچاش را به دنیا بیاورد و حاضر نشد آن بچه را از دست بدهد. همه خوشحال بودند حتی خانواده پدر علی، ما فکر می‌کردیم باردار بود. پرستاران بیمارستان رسالت به ماموران گفتند این زن توسط خواهرش به بیمارستان آورده شده بود و تصور می‌کرد خواهرش به دلیل درد زایمان بدحال شده‌است، وقتی جسد او را به بیمارستان رساند این زن گفت خواهرش ۹ ماهه باردار بود و او به تصور اینکه این بدحالی به دلیل زایمان است وی را به بیمارستان رساند این زن گفت سوده چندین سال بود که بچه‌دار نمی‌شد و خیلی دوست داشت فرزندى داشته باشد. شوهرش علی که پسرعمویمان بود از اینکه سوده بعد از این همه سال باردار شده است. این اتفاق داشت دیوانه‌ام می‌کرد و نمی‌توانستم منیزه را فراموش کنم به همین دلیل هم تصمیم به قتل سوده گرفتم.

متهم ادامه داد: می‌دانستم نمی‌توانم سوده را طلاق دهم و خانواده‌ام با این کار مخالفت می‌کنند چون او دخترعموم بود و برادر هم شده بود. ضمن اینکه نمی‌توانستم منیزه را هم فراموش کنم. چند روز قبل از حادثه در حالی که به شدت احساس بدبختی می‌کردم تصمیم به قتل سوده گرفتم. به ناصر خسرو رفتم و سم خریدم. به فروشنده گفتم در یک

قتل نوجوان ۱۶ ساله در دفاع از همسایه



پلیس

درگیری، به طرفداری از جواد به کوچه آمد و با مقتول درگیر شد و با وارد کردن ضربه چاقو به وی پا به فرار گناشت. پس از افشای این موضوع، دستگیری مهدی در دستور کار کارآگاهان قرار گرفت.

پدر متهم مدعی شد هیچ اطلاعاتی از پسرش ندارد و

مزرعه زندگی می‌کنم و گراز به ما حمله کرده است. سم را به خانه بردم. همسر در ماه آخر بارداری‌اش دارو مصرف می‌کرد. محتوای کیسول‌هایی را که مصرف می‌کرد خالی کردم و سم را داخل آن کیسول‌ها ریختم و دوباره داخل داروهایم گذاشتم. صبح مثل هر روز خداحافظی کردم و از خانه خارج شدم. ظهر بود که خواهر سوده با من تماس گرفت و گفت او بدحال شده است. او گفت احتمالا به دلیل فرارسیدن زمان زایمان سرش گیج رفته و حالا در بیمارستان هستیم. چند دقیقه بعد تماس گرفت و گفت سوده و بچه هر دو جان سپردند.

ماموران پلیس در ادامه تحقیقات خود منیزه را مورد بازجویی قرار دادند. این زن گفت: بیشتر از یک سال بود که با علی رابطه داشتم. می‌دانستم زن دارد اما نمی‌دانستم که همسرش باردار است. علی می‌گفت همسرش را دوست ندارد و می‌خواهد از او جدا شود. به من پیشنهاد ازدواج داد. بعد از مدتی متوجه شدم همسر علی باردار است به همین دلیل هم دیگر رابطه‌ام را با علی ادامه ندادم. من نمی‌خواستم بچه او صدمه ببیند. تا زمانی که ماموران به سراغم نیامده بودند، نمی‌دانستم او چه کرده است.

این مرد به حالی بود که کارآگاهان فهمیدند مهدی در زمان درگیری از ناحیه کتف و سینه مجروح و توسط پدر خود به بیمارستان منتقل شده و زمانی که پدر وی از طریق تماس تلفنی متوجه مرگ پهلوز شده، در مسیر بازگشت به منزل فرزندش را فراری داده است. به همین دلیل پدر متهم به اتهام فراری دادن قاتل دستگیر شد و سرانجام مهدی روز هفتم فروردین با مراجعه به پلیس آگاهی خود را معرفی کرد.

متهم در اعترافش به کارآگاهان گفت: «شب حادثه، با شنیدن سر و صدای زیاد، بیدار شدم. زمانی که از پنجره به کوچه نگاه کردم، متوجه شدم چند نفر با یکی از همسایه‌ها درگیر شده‌اند. من نیز به هواخواهی از پسران همسایه، با برداشتن یک چاقو از منزل خارج و با افراد حاضر در آنجا درگیر شدم که در یک لحظه با چاقو ضربه‌ای محکم به پشت یکی از طرفین دعوا زدم و با افتادن وی روی زمین از محل متواری شدم. چون از ناحیه قفسه سینه احساس درد می‌کردم، با پدرم تماس گرفتم و او نیز مرا به بیمارستان برد و پس از معاینه ترخیص و مدتی را در منزل یکی از بستگان مخفی شدم. سپس از ترس به شمال رفتم اما پس از چند روز متوجه شدم پلیس پدرم را به اتهام فراری دادن من دستگیر کرده است، بنابراین چاره‌ای جز معرفی خودم به پلیس برابیم وجود نداشت.»

بنابر این گزارش، متهم در حال حاضر در بازداشت به

سر می‌برد و تحقیقات از وی ادامه دارد.

جنایت با ۵۰ ضربه چاقو

مالی خوبی داشت. من می‌دانستم او همیشه مبلغ زیادی پول همراهش دارد برای همین وقتی از زندان آزاد شدم با کمک همسرم نقشه سرقت از او را طراحی کردیم. روز حادثه وقتی حمید برای عبیدیدینی به خانه ما آمد با پرسیدین چند سوال فهمیدم مبلغی میلیون همراه دارد به همین دلیل طبق نقشه به دوستم پیشنهاد دادم برای گردش با هم بیرون برویم. حمید هم قبول کرد و سه نفری راهی منطقه‌ای خلوت شدیم. وقتی به منطقه‌ای خلوت رسیدیم من از فرصت استفاده کردم و با چاقو چندین ضربه به حمید زدم و بعد از اینکه از مرگ او مطمئن شدم پول‌هایش را برداشتم و فرار کردم.»ماموران بعد از اطلاع از چگونگی وقوع جنایت همسر یونس را نیز بازداشت کردند. این زن که می‌دانست شوهرش واقعیت را گفته است و او راهی برای کتمان حقایق ندارد به حضور در صحنه قتل و کمک‌کردن به شوهرش اعتراف کرد اما گفت: «یونس خودش به تنهایی نقشه قتل را کشید و ضربات چاقو را هم او به مقتول وارد کرد و من فقط تماشاچی بودم و بعد از قتل پول‌ها را برداشتم.»بنا بر این گزارش زن و شوهر متهم به قتل در حال حاضر در بازداشت به سر می‌برند و تحقیقات از آنها برای افشای سایر جزئیات این جنایت ادامه دارد.

قتل



قتل

قتل‌عام در دانشگاه

یونایتدپرس: تیر اندازی دانشجوی مسلح در ایالت «کالیفرنیا» آمریکا به کشته و مجروح شدن ۱۰ دانشجویانجامید. این فرد مسلح **ظهر دوشنبه** پس از وارد شدن به یکی از **دانشگاه‌های شهر اوکلند هفت نفر را به قتل رساند و سه نفر دیگر را نیز مجروح کرد.** انگیزه **متهم** که یکی از دانشجویان سابق این دانشگاه بود مشخص نیست و پلیس پس از دستگیری **متهم تحقیقات خود را در این رابطه آغاز کرده است.**

نگاه

نقش بزه‌دیده در وقوع جرم

شاپور اسماعیلیان*

■ ۱- در جرم‌شناسی نوین، بزه‌دیده شناسی یکی از شاخه‌های ممتاز این علم در بررسی و تعیین علیت بزهکاری است. به سخن رساتر، برخلاف عقیده جرم‌شناسی که نقش «شخصیت مجرم» را در علل جرم (از قوه به فعل)، موثر و بلکه قطعی می‌داند، برخی دیگر برای نقش «وضعیت» به‌ویژه در مورد بزه‌دیده، اهمیت تعیین‌کننده‌ای قایل هستند از نظر ژرژ هوبر فرانسوی، عوامل مربوط به اوضاع و احوال و فعلیت‌دهنده، دارای نقش تعیین‌کننده در فعلیت‌یافتن عمل مجرمانه است زیرا «بزه‌دیده در واقع یک رکن اساسی وضعیت مقابل جنایی است و مراد داشتن کردن این امر است که انتخاب بزه‌دیده همیشه مدیون بازی تصادف نیست.»

۲- در کشور مادر برخی پدیده‌های مجرمانه سریالی و مشهور، سواى نقش «شخصیت» مجرم، اوضاع و احوال بزه‌دیدگان و ویژگی‌های آن از مصداق‌های تاییدکننده عقیده علمای «بزه‌دیده‌شناس» است. به عنوان نمونه وضعیت قربانیان خردسال جنایت پاکدشت یا شرایط اغلب زنان مقتول کرجی – در قتل‌های سریالی سه سالل قبل – خود موبد عللی است که در فرایند بزهکاری، موجب بروز پدیده مجرمه می‌شود.

بیجه بالغ بر ۲۰۰ قربانی خود را از کودکان فقیر و محروم و به دور از مراقبت‌های والدین در گیر تامین نان روزانه، انتخاب کرد و پس از تعرض جنسی در محل‌های خلوت به قتل رساند. ادامه این قتل‌های هولناک هرازچندگاه و به‌مدت چند سال با توجه به «شخصیت ضداجتماعی» محمد بیجه و اعتقاد وی به اینکه از جامعه انتقام می‌گیرد با لحاظ اوضاع و احوال قربانیان و خانواده‌های آنان از منظر بزه‌دیده‌شناسی درخور بررسی است اگرچه بیجه نیز از نظر سوابق قبلی، خود قربانی تجاوز و گرفتار فقر شدید است به نحوی که بنا به گفته قاضی پرونده، آرزوی خوردن سوسیس، برایش دست‌نیافتنی بودا «همید» قاتل زنان کرجی نیز قربانیان خود را از زانی انتخاب می‌کرد که به سهولت سوار پیکان مسافرش قدیمی او می‌شدند و سپس با گشودن باب گفت‌وگو آنان را به قتل‌گاه (خانه خود) می‌کشاند و بعد از برقراری ارتباط جنسی به قتل می‌رساند. نگارنده که در جریان رسیدگی به پرونده، از باب بررسی علت‌شناسی قتل حدود ۱۰۰ مورد شکل قاتل کرجی، پیگیر قضایا بود، این نکته برایش قابل تامل بود که چرا و چگونه این قاتل سسرایی کرایه‌کش به راحتی قربانیان خود را انتخاب می‌کرد و به سهولت آنان را به خلوت‌گاه (منزل خود) می‌برد بدون اینکه حسب ادعای وی این کار یا برقراری ارتباط با مقاومت آنان همراه باشد. بدون تردید، همانند دیگر پدیده‌های مجرمانه جنجالی، به لحاظ تعجیل در انتخاب قربانه مجازات، امکان بررسی‌ای جرم‌شناختی برای دست‌اندرکاران این نوع پژوهش‌ها و دیگر علوم پژوهشی میسر نشد با این حال نمی‌توان تاثیرگذاری اوضاع و احوال قربانیان را حداقل از لحاظ

تأمیل به رفتن به خلوت‌گاه یک جوان مسافرش منکر شد هرچند گزارشی در مورد اینکه قربانیان از زنان «ویژه» بوده‌اند، وجود نداشته است. همان‌طور که در بررسی و معاینه اجساد مقتولان، آثاری دال بر مقاومت آنان در زمان درگیری و قتل اعلام نشده بود. بدیهی است بررسی وضعیت این نوع قتل‌ها، نه تنها از دیدگاه بزه‌دیده‌شناسی اهمیت خطای اغلب مقتولان را در سوارشدن به خودروی شخصی مسافرکش جوان و تمکین از او برای رفتن به خلوت‌گاه (منزل) به عنوان علت اولیه و بسترساز به قتل رسیدن آنان، نشان می‌دهد بلکه بر نقش خود قربانی در بروز پدیده مجرمانه صحه می‌گذارد به نحوی که این پرسش مطرح می‌شود که آیا در قربانی‌شدن خود قربانی نیز خطاکار است؟ بی‌گمان فارغ از اعتراض برخی مخاطبان اخبار این جنایت‌ها و اینکه ادعای قاتل راجع به تمکین قربانیان از وی قایل‌قبول نبوده است، به‌نظر نگارنده در بررسی پژوهشی این موضوع، آن هم بررسی بی‌طرفانه، یابد به جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی محوریت داده شود.

●**کدیل‌داگسترى**

حادثه

کلاهبرداری

بافروش زمین‌های بلااستفاده

■ ایسنا: زمین‌خوار سابقه‌داری که زمین‌های بلااستفاده را با استفاده از اسناد جعلی می‌فروخت، دستگیر شد. سرهنگ افضل گلزاری – جاشین فرماندهی انتظامی ویژه غرب استان تهران– در این‌باره گفت: ماموران انتظامی شهرستان ملارد اطلاعاتی از تردهای مشکوک و وجود اسناد جعلی در منزلی به دست آوردند و آنجا را تحت نظارت شبانه‌روزی قرار دادند. وی گفت: در بررسی و تحقیقات اولیه پلیس مشخص شد این منزل متعلق به سابقه‌دار ۴۰ساله‌ای به‌نام داوود است که سوابق متعددی از قبیل کلاهبرداری، زمین‌خواری و توزیع موادمخدر دارد و به تازگی از زندان آزاد شده است. گلزاری افزود: ماموران داود را دستگیر و در بازرسی از محل – ۴۰ جلد اسناد و مدارک مالکیت جعلی کشف کردند. جاشین فرماندهی انتظامی ویژه غرب استان تهران خاطرنشان کرد: در بررسی‌ها مشخص شد متهم پس از شناسایی املاک و زمین‌های بلااستفاده، مشخصات زمین‌ها را به اسناد سفید وارد می‌کرد و پس از جعل سند، املاک تصرفی را به افراد مختلف به فروش می‌رساند. وی افزود: متهم به جرم خود اعتراف کرد و پس از تشکیل پرونده، برای سیر مراحل قانونی تحویل داسرا شد.